



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 32. No 4. Winter 2025

Received date: 2025.02.07

Acceptance date: 2025.04.22



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک-خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The effects of Alexander Dugin's Ideas on the Middle Eastern policy of Russia; A critical deliberation on the Tokyo-Berlin-Tehran triangle

Ghadir Nasri¹



Abstract

If every act or action is based on a thought or idea, the question can be asked, what is the intellectual root of Russia's recent closeness to Iran and even the axis of resistance? What is Alexander Dugin's analysis about the historical necessity of alignment between Iran and Russia? What does he mean by the Tokyo-Berlin-Tehran strategic triangle plan? Is it possible to explain Russia's war in Ukraine and Moscow's extremely positive perception about Tehran by referring to Dugin's Ideas? In order to find answers to these questions, I first interpreted Dugin's opinions about Eurasia, and I conclude that Dugin considers non-liberal and traditional systems and cultures as Moscow's protectors by proposing a kind of hostile competition between the liberal system and the traditional Eastern system.

Keywords: Earth-based Civilization, Water-based Civilization, Liberal Civilization, Vertical Construction, Horizontal Structure, Strategic Triangle.

1 - Associate professor of Political Science, Kharazmi University, Faculty of Law & Political Science, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۴، پیاپی (۱۱۸)، زمستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: پژوهشی

اثرات افکار الکساندر دوگین بر سیاست خاورمیانه‌ای روسیه؛ نگاهی انتقادی به مثلث توکیو-برلین-تهران

قدیر نصری^۱



چکیده

اگر هر عمل یا اقدامی مبتنی بر یک اندیشه یا ایده است، این سوال را می‌توان پرسید که ریشه فکری قربات‌های اخیر روسیه به ایران و حتی محور مقاومت چیست؟ الکساندر دوگین در باب ضرورت تاریخی همسویی بین ایران-روسیه چه دیدگاهی دارد؟ مقصود وی از طرح مثلث استراتژیک توکیو-برلین-تهران چیست؟ آیا می‌توان جنگ روسیه در اوکراین و نگاه فوق‌العاده مثبت مسکو به تهران را با رجوع به افکار دوگین تبیین کرد؟ برای یافتن پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا به تفسیر آرای دوگین در باب اوراسیا پرداخته، به این نتیجه رسیدیم که افکار دوگین رگه‌ای از ناسیونالیسم رادیکال روسی است که با ترسیم فضایی غیر غربی، سنتی، مذهبی، غیر لیبرال، یک دغدغه بنیادین دارد: حراست تمدن متمایز روسی از گزند سه تئوری مسلط بر اقلیم غربی یعنی لیبرالیسم، فاشیسم و مارکسیسم. این رسم فکری، بعضاً با علایق و جهت‌گیری‌های سیاسی پوتین همپوشانی دارد. مقصود اصلی این مقاله، شرح ریشه‌ها و روندهای فکری استراتژیک این تأثیر و تأثر اندیشه‌ای است که طبعاً در انتخاب‌های عینی-میدانی هم به چشم می‌آید.

واژگان کلیدی: تمدن زمین پایه، تمدن آب‌پایه، تمدن لیبرال، ساخت عمودی، بافت افقی، مثلث استراتژیک.

مقدمه

با امضای «معاهده مشارکت جامع راهبردی بین ایران-فدراسیون روسیه»، اندیشه‌های استراتژیک یک متفکر روسی، الکساندر دوگین به عنوان عقبه فکری این معاهده تلقی گردید. مقاله حاضر در پی توضیح اندیشه دوگین به مثابه راهبر فکری معاهده مزبور است و مشخصاً در پی پاسخ به این پرسش است که دوگین در باب آینده روسیه و مخاطرات پیشروی آن کشور چگونه می‌اندیشد؟ مقصود وی از مثلث توکیو، تهران، برلین چیست؟ چنین تفکری چه پیامدهایی بر ترتیبات فعلی خاورمیانه دارد و ایران را در کجای این ترتیبات می‌نشانند؟

طی ده سال اخیر، در رسانه‌ها و نیز گفتارهای نخبگان سیاسی ایران، اسم یک متفکر جنجالی، رادیکال و ستگرای روسی به کرات تکرار می‌شود. او دیدگاه‌های هیجان‌انگیز و تازه‌ای در باب روند امور جهان، تحولات غزه و مخصوصاً نقش تازه تهران مطرح کرده است. مطابق آخرین دیدگاه‌های وی، «جنگ بزرگ به خاورمیانه خواهد آمد. ممکن است کمی دیرتر باشد اما خواهد آمد. حوثی‌ها متوقف نخواهند شد، کشتی‌ها دیگر وارد دریای سرخ نخواهند شد. قیمت نفت بالا خواهد رفت. ایران به تحریکات پاسخ خواهد داد. فروپاشی اسرائیل اجتناب‌ناپذیر است و آخرالزمان به زودی اتفاق خواهد افتاد» (خبرآنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۷، خبر شماره ۱۸۷۳۹۸۵).

این سخنان دوگین، وی را در دل برخی ایرانیان خواستنی کرده است. او طی هشت سال اخیر مرتب به ایران تردد داشته و سخنان تفکربرانگیزی در قم (فرهنگستان علوم اسلامی)، دانشگاه تهران، فرهنگسرای اندیشه و دانشگاه علامه طباطبایی ایراد نموده است. دوگین با چهره‌های مشهوری از جناح‌های مختلف، به‌خصوص اصول‌گرایان (آیت‌الله محمد مهدی باقری، نادر طالب‌زاده، مهدی نصیری، حسن عباسی، حسن رحیم‌پور ازغدی و فواد ایزدی)، دیدار و گفتگو داشته است. او در پیاده‌روی اربعین، که برنامه‌ای غالباً مختص شیعیان است، شرکت و اظهار داشته که آخرالزمان نزدیک است. این قبیل نظرات دوگین به اضافه تأیید و تحسین او از ایستادگی ایرانیان در قبال غرب، وی و افکارش را قابل مطالعه می‌کند. در مجموع، مؤلفه‌هایی مانند سیمای نافذ، جدیت در نگاه، قاطعیت در کلام، مدرنیته‌ستیزی بی‌امان (مانند علوم شیطانی خواندن فیزیک و شیمی مدرن) و تحسین ایران و ایرانیان به خاطر گام نهادن در مسیر دقیق سنت، همگی دست به دست هم داده دوگین را به متفکری نام‌آشنا برای ایرانیان بدل کرده‌اند. مضاف بر همه این موارد، الکساندر دوگین، از حیث دیگری هم فردی شایان واری است: نزدیکی فکری به پوتین و دفاع جانانه از جنگ علیه اوکراین، ضرورت کشتار عموم اوکراینی‌ها، الحاق مجدد

جمهوری‌های جدا شده به روسیه، مذمت شدید گورباچف و یلتسین به خاطر تسلیم در برابر غرب و الزامی بودن اتحاد استراتژیک مسکو-تهران به عنوان خاکریز جنوبی مقاومت در برابر لیبرالیسم غربی و جهانی‌سازی امریکایی.

با استناد به اظهارنظرها و نوشته‌های دوگین، برخی در باب سهم و نقش دوگین اغراق و افراط کرده، او را سیاستنامه‌نویس پوتین می‌شمارند، برخی معتقد هستند که پوتین توجه چندانی به افکار دوگین ندارد و همسویی بین آن دو، عامدانه و حساب شده نیست؛ به زعم برخی دیگر، دوگین یک متفکر فاشیست است که در پی حراست از منافع روس‌ها و قربانی‌سازی بقیه ملل برای حفظ مسکو است و بالاخره بعضاً گفته می‌شود که دوگین افکاری خاص با گرایش‌های خرافی داشته، شخصیت و افکار وی جایی در محاسبات پوتین ندارد (Caitlin, 2012: 3). فرضیه مقاله حاضر به مورد اول نزدیک است و طبق داده‌هایی که در ذیل می‌آید تشریح می‌کنیم که قرابت‌های مهمی بین افکار دوگین و اعمال پوتین قابل شناسایی است به نحوی که می‌توان دوگین را رهنامه‌نویس (حتی اگر کاخ کرملین منصبی نداشته باشد) پوتین قلمداد کرد.

با این توضیح، در مقاله حاضر با مرور افکار تجدیدنظرطلبانه و بعضاً هیجان‌انگیز الکساندر دوگین در باب ترتیبات امنیتی جهان و منطقه، به این پرسش پاسخ می‌جویم که اندیشه‌های وی در باب ژئوپلیتیک جدید روسیه در جهان جدید، چه نقش و وزنی در آغاز و تداوم جنگ اوکراین داشته است. همان گونه که گذشت فرض نگارنده بر آن است که بین اندیشه‌های وی و تصمیمات پوتین در خصوص اوکراین و ایران و غرب، قرابت قابل توجهی وجود دارد. با اینکه الکساندر دوگین در کرملین منصب خاصی ندارد اما اندیشه‌اش نوعی دکترین اقدام کرملین، در شیوه برخورد روسیه با غرب، ایران، ترکیه و به خصوص اوکراین است. این پژوهش از طریق تفسیر سه کتاب اصلی دوگین (به نام‌های بنیادهای ژئوپلیتیک: آینده ژئوپلیتیک روسیه، تئوری چهارم سیاست، آخرین نبرد در جزیره جهانی: جغرافیای سیاسی روسیه کنونی) و نیز مقالات، مصاحبه‌ها و توثیقات دوگین به انجام می‌رسد. روش آزمون فرضیه مطروحه (ریل‌گذاری فکری و راهبری عملیاتی پوتین از سوی دوگین)، تفسیر و کشف معنای نهفته در بطن مفاهیم دوگین (مانند مفهوم سنت و عرف یا اندرون و برون) و نیز ارجاع به اظهارات سیاستمداران روسی خواهد بود. بدین مضمون که برای درک پیوند بین فکر دوگین و عمل پوتین، به تصمیمات متخذه و اقدامات عینی اشاره خواهد شد.

یک. لیبرالیسم و لیبرال‌ها؛ اصلی‌ترین دشمنان اوراسیا به مرکزیت روسیه

رسم غالب این است که بین افکار و ذهنیت نخبگان با نهادهای داخلی و سیاست خارجی هر کشور ارتباطی ارگانیک وجود دارد. این پیوند حتی در مورد یک شرکت یا موسسه هم صادق است. به این مضمون که هر مدیر یا رهبری، به حکم تجربه و باور خود، دیدگاه و آرزوهایی دارد. این ایده‌ها در گام اول از طریق نهادها و سیاست‌های داخل کشور/سازمان و پس از آن در سیاست و رویکرد خارجی کشور یا سازمان دنبال می‌شوند. پیوند این سه حلقه را زنجیره ذهنیت، نهادسازی داخلی و سیاست‌گذاری خارجی می‌گویند (Ripley, 1993: 403). لذا برای درک جهت‌گیری‌های آتی پوتین، لازم و بل ضروری است نظام باورها و دغدغه‌های ذهنی او را کشف تا معنای جهت‌گیری‌های داخلی و خارجی روسیه قابل فهم کنیم. بر این اساس و در راستای کشف ذهن ولادیمیر پوتین یا هر شخص دیگر، مهم‌ترین گزاره این است که آبخشور فکری یک رهبر یا مدیر، کدام شخص یا فکر و یا تجربه‌ای است. رهبران و مدیران، معمولاً و مانند سایر افراد، الگو و مرجع فکری دارند یا متأثر از فکر و مکتب خاصی هستند و یا اینکه تجربه تلخ و شیرینی در حیات خود داشته‌اند و می‌کوشند آن تجارب شیرین را احیا نموده، مانع تکرار تجربه‌های تلخ و گزنده گذشته شوند. در قالب این چارچوب است که شخصیت و اندیشه الکساندر دوگین در ذهن و زبان ولادیمیر پوتین قابل رهگیری است. اگر این حدس صائب باشد به راحتی می‌توان با خوانش و تفسیر آرای دوگین، جهت‌گیری‌های آتی پوتین را «برآورد» نمود. در این مقاله، ابتدا روی موضوع «دشمن» در نگاه دوگین تمرکز خواهیم کرد تا رفتار و تصمیمات پوتین را در قالب و بستر فکری آن فهم و تفسیر کنیم.

در نگاه الکساندر دوگین در سال ۱۹۹۰، لیبرالیسم بالاخره بر دو دشمن خونی‌اش یعنی فاشیسم و کمونیسم پیروز شد و اعلام کرد «آخرین ایدئولوژی» بشر است و «انسان لیبرال»، آخرین انسان تاریخ خواهد بود (دوگین، ۱۳۹۴: ۲۳)؛ یعنی از این پس اندیشیدن در باب الگوی جایگزین، موضوعیت و ضرورتی ندارد. دوگین می‌گوید بشر و به‌خصوص روس‌ها باید در ابعاد و ارکان لیبرالیسم خوب تأمل کنند و ببینند که آیا می‌توانند لیبرال شوند؟! به زعم وی «لیبرالیسم به رغم ظاهر زیبایش، دارای این مولفه‌ها است:

- لیبرالیسم، عصاره و چکیده تمدن غربی و بازتاب‌دهنده باور به تقدس مالکیت خصوصی، اصالت درک فرد از همه چیز، توافقی بودن همه نهادها و مناسبات، برابری امکانات و اختیارات، محوریت بازار و اقتصاد و الغای هر گونه امتیاز و اختیار قومی، طبقاتی، نژادی و دولتی است.

- لیبرالیسم بر آزادی فرد از هر گونه حد و قاعده صادره از سوی کلیسا، دولت، طبقه، گروه، قومیت و سنت تأکید دارد» (همان: ۲۵).

دوگین در مذمت لیبرالیسم حتی به ستیز با مدرنیته هم می‌رود و بر آن است که مدرنیته دو رویه دارد؛ یک رویه آن ملموس و وسوسه‌آمیز است مانند کامپیوتر و تلویزیون که فی‌نفسه بی‌زیان تلقی می‌شود. اما رویه دیگر مدرنیته این است که در آن به گفته نیچه *خدا مرده است* یا به تعبیر فنی‌تر، *خدا* به دست فرد *مدرن* و *خودخواه* کشته شده است و *قرارداد*، *جای خدا را گرفته است*، یعنی اگر دو طرف با هم توافقی کنند توافق آنها در حکم وحی و آیات کتاب مقدس است. به زبان دوگین «برای ظاهر شدن انسان مدرن، براندازی خدا از تختش ضروری بود» (دوگین، ۱۳۹۴: ۳۷۴).

دلالت طبیعی این نحوه نگاه دوگین به لیبرالیسم این است که اولاً لیبرالیسم در اصل نقاب امریکا و غرب لیبرال است برای یکسان‌سازی جمیع تفاوت‌ها و تمایزهای ملل جهان در سنت، عرف، دین، قومیت و نهایتاً تولید یک انسان تازه که اصلی‌ترین خصوصیاتش به این قرارند:

- محوریت و اصالت مصرف: سیطره عبارت «مصرف می‌کنم، پس هستم!» (به جای گزاره معروف دکارتی که می‌گفت: «می‌اندیشم، پس هستم»).

- قواعدی که از سوی نهادهایی چون خانواده، کلیسا، سنت، نژاد و طبقه وضع شده‌اند همگی نامشروع بوده، همه مناسبات (مانند ازدواج و خانواده)، موقت و توافقی هستند یعنی می‌توان بدون آن قواعد و نهادها زندگی کرد و حتی می‌توان در غیاب این موازین دست و پاگیر، لذت و رضایت‌مندی بیشتری هم کسب نمود.

- مدرنیسم در روایت لیبرالی، با اصالت دادن به فرد، عملاً هر نهاد غیر فردی و فرا فردی (مانند سنت، کلیسا، خانواده و هر مرجع فراتر از فرد) را ملغی می‌کند. پست مدرنیسم هم همین راه را ادامه می‌دهد با این تفاوت که پست مدرن‌ها به همه روندها و تحولات، نگاهی خنثی دارند و اعلام بی‌تفاوتی می‌کنند. در نگرش پست مدرن، هر تحول و تحرک و تفسیری حامل حقیقت است. حقیقت ناب وجود ندارد و هر آنچه حقیقت تلقی می‌شود در واقع ساخته و پرداخته صاحبان قدرت است که تاریخ را تقریر و دغدغه‌های خود را بر پیشانی آن حک کرده‌اند.

نتیجه‌گیری دوگین در باب مبحث دشمن این است که لیبرالیسم سرمست از پیروزی بر فاشیسم هیتلری و کمونیسم شوروی، اینک جهانی شده و به نام آزادی بشر و مقدس بودن مالکیت او بر همه چیز، در واقع ارزش‌های امریکایی را جهانی می‌کند و برای اینکه مقاومتی در برابر آن صورت نگیرد،

سیاست‌زدایی کرده یعنی برای لیبرالیسم رقیبی باقی نمانده است که بتواند بدیل یا آلترناتیو باشد! سیاست هنگامی معنادار است که رقابتی در کار باشد و هنگامی که رقابت نیست مشارکت هم متفی است. به زعم دوگین، تشکیلاتی مانند ناتو، اتحادیه اروپا، هالیوود، سازمان جهانی تجارت و حتی اینترنت در این راستا حرکت می‌کنند که ارزش‌های امریکایی را غیر قابل تردید کنند و بریدن بخش‌هایی از روسیه (مانند اوکراین یا قزاقستان) برای این است که روسیه بزرگ را زمین بزند یا به تعبیر کیسینجر، کیک بزرگ یا سوسیسی بزرگ را قاچ قاچ کرده و مصرف کند.

این قسم موضع‌گیری‌های دوگین، شباهت بسیاری با چپ‌های رادیکال اروپا و امریکا و حتی با اسلام‌گرایان و چینی‌ها دارد. این سه نیز معتقد هستند که امریکا ارزش‌هایش را جهانی می‌کند و فناوری‌ها و محصولات صنعتی (مانند موبایل، فیلم‌سازی، فیس‌بوک و اینستاگرام و...) همگی در این راستا تولید و منتشر می‌شوند.

دو. تمدن سرزمین‌پایه ی روسیه در برابر تمدن دریای‌پایه ی امریکا- بریتانیا

دوگین در کتاب تازه‌اش با عنوان «آخرین نبرد در جزیره جهانی: جغرافیای سیاسی روسیه معاصر» (چاپ سال ۲۰۱۵)، ژئوپلیتیک روسیه را خاص و آن را تمدنی مبتنی بر زمین می‌داند نه دریا. به زعم وی، خاص و متمایز بودن روسیه پدیده تازه‌ای نیست. به باور وی، طی قرن‌های متمادی، از ظهور چنگیز تا سقوط قسطنطنیه و بعد از آن، روسیه همواره هارتلند بوده، تمدن دریای‌پایه یا تالاسوکراسی یا Thalassocracy از سوی بریتانیا و بعدها امریکا نمایندگی می‌شد. تمدن سرزمین‌پایه یا Tellurocracy هم تنها یک نماینده داشت و آن روسیه بود. دوگین تصریح می‌کند «در تمام شاخص‌های اصلی، فدراسیون روسیه وارث ژئوپلیتیکی اشکال تاریخی، سیاسی و اجتماعی است که در اطراف قلمرو دشت روسیه شکل گرفت: روس کیفی (اوکراین فعلی)، اردوی زرین یا وارثان چنگیزخان مغول، روسیه تزاری، امپراتوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی. این تداوم، نه فقط سرزمینی بلکه تاریخی، اجتماعی، معنوی، سیاسی و قومی است. این ایده دوگین را عده‌ای، از جمله محققانی از اوکراین و غرب اروپا، فاشیستی می‌خوانند. اما دوگین متعصبانه از این اندیشه دفاع می‌کند که روسیه یگانه است و اوکراین امروزی نه یک کشور ریشه‌دار که حاصل دسیسه و پدیده‌ای متعلق به چهار دهه اخیر است (Umland, 2019: 4).

دوگین اندیشه شبه ایدئولوژیکش را این گونه ادامه می‌دهد که «از زمان‌های قدیم، دولت روسیه در هارتلند شروع به شکل‌گیری کرده، به تدریج گسترش یافت تا اینکه کل هارتلند و مناطق مجاور آن را

اشغال کرد. گسترش فضایی سلطه روسیه بر سرزمین‌های اوراسیا با یک فرایند جامعه‌شناختی موازی همراه بود: تقویت نظم‌های اجتماعی سرزمین‌محور در جامعه روسیه که مشخصه تمدن قاره‌ای (و نه بحری) است» (دوگین، ۱۴۰۲: ۱۴).

دوگین در وصف متمایز و البته برحق بودن سیطره مسکو بر جمیع سرزمین‌های اوراسیا (از ژاپن تا آلمان) استدلال می‌کند که این محدوده سرزمینی خصایصی دارد که آن را از غربی‌ها متمایز می‌کنند و این خصیصه‌ها عبارت هستند از:

- مردم واقع در قلمرو تمدن سرزمین‌پایه، مردمی محافظه‌کار هستند یعنی به عرف و سنت‌های پیشینیان احترام قائلند و آن را یادگار عقول و درک گذشتگان در دوران امروز می‌شمارند.
- ساکنان این تمدن سرزمینی، کل‌نگر هستند و جهان‌بینی خیمه‌ای دارند، به این معنا که بین طبیعت و انسان و این دو با خدا و سنت ارتباط قائل هستند.
- در این محدوده، مصالح و ملاحظات جمعی و گروهی مقدم بر خواست و اراده فردی است.
- در فرهنگ تمدن سرزمین‌پایه، ایثار و گذشتن از حق خود، بخشایش و گذشت، یک ارزش است و این رسم، ریشه‌ای کهن و دیرپا دارد.
- ایدئالیسم و تأسیس نظامی مطلوب (ناموجود) و در افق آن نظم مطلوب بودن، یک ارزش است. اینجا روی باید‌ها تمرکز می‌شود تا مصلحت‌های فوری و رئالیستی.
- اصالت و اولویت ارزش‌هایی چون ایمان (به جای شک)، زهد (به جای لذت‌گرایی)، شرافت (به جای زندگی حقارت‌بار و ذلیلانه) و وفاداری (به جای فرصت‌طلبی و نقض عهد به هنگام ایجاب سود) حکمرانی می‌کرده‌اند.
- حکومت‌های حاکم بر این منطقه، ساختاری عمودی، سلسله‌مراتبی و مسیحایی داشته‌اند یعنی منطبق بر اصول و باورهای دین مسیح بوده‌اند. به گونه‌ای که این سرزمین را سیاست‌ورزی مبتنی بر ایدئوکراسی نامیده‌اند (دوگین، ۱۴۰۲: ۱۵).

آن گونه که دوگین روایت می‌کند روسیه همواره قلب زمین بوده و نمی‌تواند بر محیط اطراف (مثلاً قزاقستان یا اوکراین) خود، سیطره نداشته باشد و این سیطره امری کاملاً طبیعی و قهری بوده است! در نگاه وی، هویت خاص ژئوپلیتیکی روسیه ایجاب می‌کند که مدام «تقویت، تعمیق، تصدیق و توسعه» داشته باشد (همان: ۱۶). به زبان وی، «حق حاکمیت سیاسی روسیه با موضوع بسیار مهم‌تری درآمیخته

است: تحقق پروژه راهبردی برای حفظ وحدت سیاسی و اداری هارتلند و ایجاد (دوباره) شرایط لازم برای عملکرد روسیه به عنوان قطب سرزمین پایه در منطقه» (همان).

علاوه بر این، دوگین، اظهارات و پیشنهادات دیگری هم دارد که به وضوح دلیل جهت گیری های کنونی روسیه پوتین در قبال غرب و ایران و اروپا و ترکیه را نشان می دهد. او می گوید: «روسیه، ورای هر گونه ترجیحات ایدئولوژیک، محکوم به درگیری با تمدن دریایا پیه است که امروزه در قالب امریکا و نظم جهان تک قطبی تجسم یافته است. درگیری ژئوپلیتیک جهانی بین امپراتوری روسیه و پادشاهی بریتانیا و سپس اردوگاه سوسیالیستی با اردوگاه سرمایه داری ناگزیر بود. امروز، در دوره نظام های جمهوری دموکراتیک، همان تضاد بین روسیه دموکراتیک و بلوک کشورهای دموکراتیک ناتو در حال شکل گیری است» (همان).

دیگر پیشنهادات و رهنمایی های دوگین بسیار شایان دقت هستند. فراموش نکنیم که وی از زمان فروپاشی شوروی در جامعه روسیه فعال بوده و مدام گورباچف و یلتسین را به خیانت به عظمت متمایز روسیه متهم کرده است. طبق دکترین وی، «روسیه از نظر ژئوپلیتیک، چیزی فراتر از فدراسیون روسیه در مرزهای فعلی آن است. تمدن اوراسیا که در اطراف هارتلند و هسته آن یعنی خلق روسیه ایجاد شده، بسیار گسترده تر از روسیه است. تا حدودی، عملاً تمام کشورهای مشترک المنافع (ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، مولداوی، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان) به آن تعلق دارند» (همان: ۱۷). واپسین رهنمود و رهنامه دوگین برای تدارک امنیت تمدن سرزمین پایه روسیه به این قرار است: «روسیه برای تضمین امنیت ارضی خود باید بر قلب مناطق متصل به خود در جنوب و غرب و در حوزه شمال اقیانوس منجمد شمالی، سلطه داشته باشد» (همان: ۱۸).

در تمام رهنمایی هایی که دوگین برای تأمین و تضمین امنیت تمدن سرزمین پایه روسیه می کند، نه تنها اوکراین بلکه بسیاری از کشورهای فعلی اروپایی و نیز کشورهای واقع در قفقاز جنوبی (مانند گرجستان)، همگی بخشی از تمدن روسیه هستند. نگرش تجدیدنظرطلبانه و تحول خواه دوگین به حدی است که برخی آن را نه یک جنگ ایدئولوژیک تنها، بلکه یک ایدئولوژی تمام عیار جنگ نامیده اند؛ برای اینکه دوگین روشن نمی سازد که این الحاق، فرهنگی است یا سیاسی-سرزمینی (Skladanowski, 2022). اما مصاحبه های دوگین نشان می دهد که کشورهای اطراف روسیه فعلی، تنها تا زمانی شایسته احترام هستند که میزبان دشمن اعظم، یعنی تمدن دریایا پیه، لیبرال، جهانی ساز و سنت ستیزی که امریکا رهبر آن است، نباشند! شاید دلیل اصلی پنج بار سفر پوتین به تهران همین امر باشد. دوگین و پوتین،

تهران و به طور کلی حرکت بنیادگرایی غرب ستیز را سنگری در برابر لیبرالیسم مهاجم (از جنوب) می‌شمارند. به زعم آن دو، این قسم احساسات ضد غرب فقط مختص جهان اسلام و تهران نیست. در ژاپن هم احساسات پنهان غرب ستیز وجود دارد. این حس در آلمان هم هست. لذا سه قطب برلین در غرب، توکیو در شرق و تهران در جنوب باید به گونه‌ای حرکت کنند که تمدن لیبرال غرب نتواند به حوزه اوراسیا (به مرکزیت مسکو و سنت پترزبورگ) رخنه کند. دوگین در اصلی‌ترین اثرش (مبانی ژئوپلیتیک: ۱۹۹۷) مدام از محور مسکو-برلین، مسکو-توکیو و مسکو-تهران یاد می‌کند. مطابق تحلیل وی، غرب باید در دروازه‌های غربی، شرقی و جنوبی متوقف شود تا مسکو در امنیت بماند (Dugin, 1997: 203-226).

سه. اوراسیاگرایی تازه، تنها راه رهایی روسیه از تله و دسیسه‌های غرب لیبرال

کریل کالینین، پژوهشگر ارشد در موسسه مطالعات جنگ، انقلاب و صلح (وابسته به دانشگاه استنفورد آمریکا) در سال ۲۰۱۸، مقاله محققانه و پر استناد با عنوان «نخبگان روسی و نئو اوراسیاگرایی پوتین: تحلیل تجربی-میدانی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶» منتشر و نکته‌های مهمی را برجسته نمود. کالینین با بررسی سیاست‌های مقابله‌جویانه روسیه با آمریکا (در بحران سوریه، مداخله در انتخابات ریاست جمهوری، حملات سایبری به تأسیسات حیاتی آمریکا و مخصوصاً با الحاق بخش‌های مهمی مانند کریمه به خاک روسیه) عملاً در برابر سیاست‌های آمریکا در جهان صف‌آرایی کرده است. به زعم وی، «برنامه استراتژیک یا Strategic Plan روسیه، احیای یک امپریالیسم یا تعقیب یک سیاست امپراتوری است که تبلور ایده دوگین در مورد نقش محوری روسیه در تمدن بالقوه اوراسیاگرایی مجدد و تازه است» (Kalinin, 2018: 2-3). دوگین در صفحه ۱۷۷ کتاب معروفش، مبانی ژئوپلیتیک، تصریح می‌کند که روسیه ذاتاً باید یک امپراتوری باشد و روسیه غیر امپراتور اصلاً قابل تصور نیست. او تلقی روسیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای را یک تله می‌نامد (Dugin, 2022: 177).

او (دوگین) مدام به پوتین توصیه می‌کند تسلیم فشارهای آتلانتیک‌گرایان یا غرب‌گرایان مقیم روسیه و کشورهای اطراف نشده، سیاست نو اوراسیاگرایی را با قوت به پیش برد درست مانند اتحادیه اروپای فعلی که در سال ۱۹۵۶ با اتحادیه ذغال و فولاد آغاز و در ادامه به بازیگر قدرتمندی با بیش از چهار میلیون کیلومتر وسعت، قریب به ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت و ۲۷ کشور مرفه و نیرومند بدل شد. در نگاه دوگین، وقتی دو کشور متوسط فرانسه و آلمان موفق با ایجاد چنین مجموعه نیرومندی شده‌اند، روسیه نیز می‌تواند تشکیلات تازه و مهم‌تری متشکل از کشورهای اطرافش تأسیس کند و اینکه تا حالا مسکو

موفق به راهاندازی چنین اتحادیه نشده دو دلیل داشته که اولین آن سیاست نزدیکی به غرب و مماشات با لیبرال‌ها بوده که از زمان گورباچف و یلتسین آغاز و در ادامه از سوی آتلانتیک‌گرایان روسی دنبال گردیده است. دوگین می‌گوید حتی در بعضی مواقع (مانند همکاری با غرب و آمریکا در فردای ۱۱ سپتامبر و حمله این کشور به افغانستان با مساعدت‌های اطلاعاتی و سیاسی مسکو)، خود پوتین و مدودف نیز چنین سیاستی داشته‌اند. دومین دلیل عقیم ماندن سیاست اوراسیاگرایی، نفوذ تمدن دریای غرب به داخل و اطراف روسیه بوده که در قالب‌هایی چون روابط استراتژیک دوجانبه یا براندازی رژیم‌های اطراف روسیه با انقلاب‌های رنگی به انجام رسیده است. بر همین اساس، دوگین نسبت به گرایش‌های غرب‌گرایانه جاری در گرجستان ابراز تأسف کرده، سیاست‌های نوسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان را به خاطر همسویی با روسیه و نیز تدوین قانون اساسی مجموعه اوراسیا را تحسین و ستایش می‌کند. پیشنهاد تلویحی دوگین، مداخله پیدا و پنهان مسکو در امور کشورهای اطراف و جلوگیری از به قدرت رسیدن جریان‌های غرب‌گرا در حومه روسیه است.

دوگین در راستای تجویز نو اوراسیاگرایی به ملل این منطقه، امضای پیمان‌های خلع و کنترل تسلیحات با غرب را مذمت کرده، فروش سلاح‌های مختلف به کشورهای مقاوم در قبال غرب (مانند ایران) را تشویق و هر گونه همکاری با غرب در جهان عرب را موجب خسران استراتژیک می‌شمارد (دوگین، ۱۴۰۲: ۱۲۴). وی با اشاره به مقاله معروف پوتین که در سال ۲۰۱۱ در *روزنامه یازوستیا* منتشر گردید از اشارات پوتین به ایجاد یک سازمان تازه در حوزه اوراسیای شمالی، استقرار نظم چند قطبی به جای یک نظم تک قطبی و تمرکزگرایی استراتژیک در داخل روسیه و لغو هر گونه استقلال‌جویی و خودمختاری طلبی از سوی چین‌ها و... را ابراز رضایت کرده، تأکید می‌کند که پوتین بعد از چندین دهه زوال و تجزیه و تباهی روسیه، راه ایستادگی، بازدارندگی و مقاومت فعال را در پیش گرفته و این سیاست نه تنها درست و مطلوب، بلکه تنها راه باقی مانده است.

چهار. اثرات افکار دوگین در سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه

اینک و با مقدمات تفصیلی‌ای که طرح و تشریح شد به نظر می‌رسد بهتر می‌توان به مسئله اصلی مقاله بازگشت و مجدداً آن سوال را یادآور شد که سیاست روسیه در خاورمیانه چه بود که با ظهور دوگین متحول یا متأثر شده است. سیاست سنتی شوروی در منطقه خاورمیانه پیوند با کشورهای مهمی عربی مانند مصر (در پروژه بزرگ سد آسوان)، الجزایر، عراق، لیبی، سوریه، فلسطین و یمن بود و کشورهای عربی بالغ بر ۳۰٪ همکاری‌های شوروی با کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده بودند

(Kozhanof, 2018: 5). بیشترین سهم مراوده بین شوروی با اعراب خاورمیانه از آن کشور عراق بود و ارزش قراردادهای دو کشور بیش از ۲۴ میلیارد دلار بود و بعد از آن سوریه با ۱۱ میلیارد دلار قرار داشت (Ibid: 2). علاوه بر اعراب، شوروی با ایران (مثلاً در پروژه مجتمع فولاد مبارکه اصفهان) هم رابطه اقتصادی سیاسی قابل توجهی داشت. هدف کلی شوروی، مقابله با نفوذ غرب در خاورمیانه، بهره‌برداری اقتصادی و کمک به کشورهای همسو بود. این سیاست بعد از فروپاشی شوروی تا حدی رنگ باخت. اما روسیه پوتین در همان نخستین سال‌های قرن ۲۱ دوباره با خاورمیانه بازگشت. این بار روسیه حتی وارد منطقه نفوذ اختصاصی غرب در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هم شد! ضمن اینکه برخی کشورهای خاورمیانه (ایران و سوریه) به دلیل طردشدگی و تحریم از سوی غرب، شریک طبیعی روسیه شدند. روسیه برای مقابله با نفوذ غرب، تحدید افراط‌گرایی اسلامی و مهم‌تر از همه ایفای نقش یک ابرقدرت ژئوپلیتیک، به خاورمیانه بازگشت (Trenin, 2018: 3).

جهت‌گیری سیاسی استراتژیک دو کشور ایران و سوریه دقیقاً همان چیزی بود که دوگین در کتابش (تئوری چهارم سیاست) تجویز کرده بود. آموزه‌های دوگین در باب ضرورت طراحی کمربند امنیتی به دور مسکو، نگاه پوتین به شرق و خاورمیانه را رنگ و لعاب ایدئولوژیک بخشید. در اندیشه دوگین، خاورمیانه در واقع لایه سوم کمربند محافظت از مسکو به شمار می‌آمد. به این مضمون که مسکو به مثابه هسته و کانون اصلی مقاومت در برابر ارزش‌های لیبرالی غربی، دارای دو کمربند حفاظتی بود: اول کشورهای جدا شده از شوروی و سپس کشورهای ضد امریکایی واقع در خاورمیانه و ژاپن و آلمان که در مجموع اوراسیا را تشکیل می‌دهند. در نگاه دوگین، فدراسیون روسیه باید مأموریت ویژه روسی را احیا و پیگیری کند نه مارکسیسم وارداتی از غرب را که بر عناصری چون خداناباوری، سنت‌ستیزی، کیش پیشرفتِ خطی و ارزش‌های صرفاً فردی (نه الهی) استوار است (Skladanowski, 2019: 4).

ویژگی‌هایی که دوگین برای مأموریت روسی می‌شمارد در نزد کشورهای خاورمیانه به وفور یافت می‌شدند: در این ناحیه از جهان، الاهیات همچنان زنده است، دین هنوز بسیج‌گر و غیر فردی است و شکوه ملی در مقابل کیش پیشرفت ذبح نشده است. دلیل اینکه دوگین در سفر خود به ایران به ملاقات و هم‌سخنی با تیپ‌های سنتی و مذهبی می‌شتافت و در مراسمی چون پیاده روی شیعیان در روز اربعین مشارکت می‌جست، قرائنی بود که باورهای وی در باب ضرورت مقابله با غرب لیبرال و دین‌زدوده را تأیید می‌کردند. دوگین همه این قرائن را ذیل «تئوری چهارم سیاست» گرد آورده بود و تنها جایی از جهان که از این قبیل تعابیر استقبال می‌شد، خاورمیانه بود. فقط مهم‌ترین تفاوتی که بین تجویز دوگین

و سیاست پوتین در خاورمیانه وجود داشت این بود که پوتین توصیه‌های ایدئولوژیک دوگین را جامه ژئوپلیتیک پوشانده، دمشق و تهران و یمن را نه قیامتگاه آخرالزمانی که سنگر و پایگاه استراتژیک می‌بیند که نباید به مجموعه پایگاه‌های موجود غرب در خاورمیانه اضافه شوند. راز همسویی پوتین با ترامپ هم در همین قضیه نهفته است؛ ترامپ به بسیاری از اماکن ارزشمند برای مسکو، نگاهی صرفاً اقتصادی دارد.

نتیجه

با روایت اثرات فکر دوگین در جهت‌گیری‌ها و تصمیمات اساسی پوتین، حداقل می‌توان پنج گزاره را به‌عنوان نتیجه و رهاورد این مقاله برجسته نموده، روی آنها تأمل کرد:

نخستین گزاره این است که در روایت دوگین، سیاست نزدیکی روسیه به ایران، ترکیه و کشورهای عربی یک نزدیکی استراتژیک و نه تاکتیکی است. البته این به آن معنا نیست که روس‌ها حاضرند اتحادی استراتژیک با این کشورها داشته، هزینه موثر این اتحاد را بپردازند. کشورهای مزبور نقش دژهای دفاعی مسکو در برابر غرب را عهده‌دار هستند و نه بیشتر.

دومین گزاره استتاجی به جدیت روس‌ها برای سیطره و تسلط بر اوکراین و حتی سایر کشورهای تازه تأسیس در اطراف روسیه مربوط می‌شود. آن گونه که دوگین تفسیر می‌کند و مورد اجابت پوتین نیز هست، روسیه حاضر است این کشورها را مهار، کنترل و حتی تسلیح به سلاح‌های پیچیده کند اما شاهد جُولان غربی‌ها در این کشورها نباشد. مطابق این روایت، روسیه در جنگ سرد فعالی با غرب به سر می‌برد.

پدیداری نوعی دوراهی یا هَچَل امنیتی برای کشورهای همسایه روسیه، سومین نتیجه‌گیری این پژوهش است؛ به این مضمون که در سایه سیطره تفسیر دوگین از روندها و رخدادها، کشورهایی مانند ایران در هر گونه حرکت‌های متمایل به غرب باید هزینه بپردازند. این در حالی است که متحد یا دوست روسیه ماندن نیز موجب نگرانی و تحریم و تهدید غربی‌ها خواهد شد. این موقعیت پرمخاطره، ممکن است بعضاً فرصت خیز باشد اما عموماً پر مخاطره و مختص دوران تهدید و بحران است. یک نمونه آن خرید سامانه دفاعی اس ۴۰۰ از سوی ترکیه از روسیه بود که موجب شد آمریکا هواپیمای اف ۳۵ را از ترکیه دریغ و در اختیار دشمن سنتی‌اش، یونان، قرار دهد! امریکایی‌ها بارها تصریح کرده‌اند که نزدیکی به روسیه، عقوبت دارد. روس‌ها نیز چنین رویه‌ای در پیش گرفته‌اند که آخرین مورد آن تنها گذاشتن

ارمنستان غربگرا (در دوره پاشینیان) مقابل حملات جمهوری آذربایجان در بحران قره‌باغ بود که منتهی به شکست سنگین ایروان از باکو گردید. بازیگران بزرگ و ایدئولوژیک، معمولاً نواهای خارج از کنسرت را تحمل نمی‌کنند.

چهارمین نتیجه، به ترتیبات امنیتی منطقه، به‌ویژه ایران در آیین فکری پوتین مربوط است؛ مطابق آموزه دوگین، اضلاعی مانند توکیو در شرق، برلین در غرب و تهران در جنوب، همگی برای محافظت از ام‌القرای مسکو تسلیح فکری-فنی می‌شوند تا بین تمدن لیبرال و تمدن سستی شرق، دومی را انتخاب و نگهبانی کنند.

بالاخره باید به حیثیتی و وجودی و پرستیژی شدن سیاست و جهت‌گیری‌ها در منطقه اشاره کرد که در تعارض با سیاست‌های نتیجه‌بخش از حیث اقتصادی-رفاهی قرار دارد. به سخن روشن، در صف‌آرایی‌های ایدئولوژیک، رفاه ملت در انتهای اولویت‌بندی‌ها قرار دارد. دوگین حتی یک بار هم از رفاه ملت، آینده تولید و ارتقای عدالت سخن نمی‌گوید. در عوض آثار او لبریز از واژگان سنگین و دارای بار امنیتی نظیر بقای استراتژیک، خصومت ایدئولوژیک و نبرد سهمگین و بی‌پایان است. شاید به خاطر همین بدبینی مفرط دوگین است که پوتین در بعضی موارد نسبت به همکاری با غرب ابراز تمایل می‌کند. اصلی‌ترین موضوعی که در محاسبات آخرالزمانی دوگین جایی ندارد، هزینه‌های سنگینی هستند که روسیه و روس‌ها به خاطر تعارضات فزاینده و غیر قابل حل پرداخت می‌کنند. در نظام فکری دوگین، وضع بیش از ۶۰۰۰ تحریم علیه روسیه از سوی غربی‌ها محلی از اعراب ندارد و اتفاقاً حرکتی طبیعی و عادی از سوی تمدن رقیب شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد جناح آتلانتیک‌گرا در روسیه رفته رفته این پرسش‌ها را جدی‌تر خواهد پرسید که آیا آموزه‌های دوگین، هویت و قدرت روسیه را تقویت می‌کند یا آن را به تحلیل می‌برد. در حال حاضر با برآمدن ترامپ در آمریکا و علاقه پنهان و پیدای وی به سیاست‌های پوتین، پیش‌بینی‌های آخرالزمانی و ایدئولوژیک دوگین در محاق قرار گرفته، جای خود را به برنامه‌های پراگماتیستی می‌دهد. به نظر می‌رسد برنده اصلی در بازیگری متفکرانی چون دوگین، پوتین است که در هنگامه نبرد او را مطرح و برجسته کرده، در مواقع مصالحه و عملگرایی به راحتی از او عبور می‌کند. چنین برخوردی، آن‌مثل معروف را به یاد می‌آورد که افکار تیز و تند ایدئولوژیک یا برای تولید بحران می‌آیند یا برای توجیه آن! با فروکش کردن بحران، این قسم از اندیشه‌ها از سکه می‌افتند همان‌طور که در عهد ترامپ-پوتین، اسمی از نام و یادی از فکر دوگین نخواهد رفت. در رویکردهای کلان پوتین (مانند احیای عظمت روسیه در مقابل غرب لیبرال، تدارک دروازه‌های شرقی-

غربی و جنوبی برای حراست از مسکو، امتناع از اعتماد به غرب، عقب‌رانی نیروهای متمایل به آتلانتیک) به وضوح می‌توان اثرات اندیشه دوگین را مشاهده کرد اما پوتین، با ملاحظه بحران‌های پیچیده ملل خاورمیانه، آنها را شرکای ناکافی دیده، به سهولت از وی گذر می‌کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱- دوگین، الکساندر (۱۴۰۲). آخرین نبرد در جزیره جهانی: جغرافیای سیاسی روسیه معاصر، ترجمه هاتف خالدی، نشر مضمون.

۲- دوگین، الکساندر (۱۳۹۴). تئوری چهارم سیاست: روسیه و ایده‌های سیاسی قرن ۲۱، ترجمه مهناز نوروزی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.

منابع غیر فارسی

- 1- Cherif, Yossef, The Interests of Putin's Russia in the MENA Region in Historical Perspective (2019), Available at: https://www.ispionline.it/sites/default/files/publicazioni/joint-policy-study_12_the-role-of-russia-in-the-mena-region.pdf
- 2- Dugin, Aleksander (1997 & 2022), *Foundations of Geopolitics*, Available at: <https://www.maieutiek.nl/wp-content/uploads/2022/05/Foundations-of-Geopolitics.pdf>
- 3- Dugin, Alexander, (2012), The Fourth Political Theory: Moscow, Eurasian Movement, Eurasian Movement, Available at: <https://somacles.files.wordpress.com/2018/07/alexander-dugin-fourth-political-theory.pdf> (این کتاب در ایران و در سال ۱۳۹۴ ترجمه و منتشر شده است)
- 4- James Miller et al., (2015) *An Invasion by Any Other Name: The Kremlin's Dirty War in Ukraine*, New York: The Institute of Modern Russia.
- 5- Kalinin, Kirill, (2018) Russian Elites and Dugin's Neo-Eurasianism: Empirical Analysis of 2012 and 2016, Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3160401
- 6- Kozhanov, Nikolay, (2018), Russian Foreign Policy in the Middle East: New Challenge for Western Interests?, Cap. 7, Available at: https://archive.transatlanticrelations.org/wp-content/uploads/2018/01/ch07_Kohzhanov.pdf
- 7- Malic, Branko, The Invisible Empire: Introduction to Alexander Dugin's "Foundations of Geopolitics", Available at: <https://www.academia.edu/32898502/>
- 8- Millerman, Michael, (April 2019), Alexander Dugin's Heideggerianism, *International Journal of Political Theory*, DOI:10.22609/1.3.1.4, Available at: https://www.researchgate.net/publication/349185563_Alexander_Dugin's_Heideggerianism
- 9- Rapport, Aaron, (2017) Cognitive Approaches to Foreign Policy Analysis, Available at: <https://core.ac.uk/download/pdf/83938975.pdf>
- 10- Ripley, Brian, Psychology, Foreign Policy, and International Relations Theory, *Political Psychology*, Vol. 14, No. 3 (Sep., 1993), pp. 403-416, Available at: <https://www.jstor.org/stable/3791705>
- 11- Shekhovtsov, Anton, Aleksandr Dugin's Neo-Eurasianism and the Russian-Ukrainian War, Available at:

- https://dl1.cuni.cz/pluginfile.php/438567/mod_resource/content/2/Aleksandr_Dugins_Neo-Eurasianism_and_the.pdf
- 12- Składanowski, M. (2022). From an ideological war to an ideology of war: Aleksandr Dugin's assumptions of neo-Eurasianism and their application to Russian preparations for the war against Ukraine. *Studia Rossica, Gedanensia*, 9: 175–186. DOI: <https://doi.org/10.26881/srg.2022.9.10>.
 - 13- Składanowski, Marcin (2019), Russia's Mission in Alexander G. Dugin's Eyes: Ideological Weakness of the Soviet Union and the Future of Ideology of The Russian Federation, Available at: https://kirj.ee/public/trames_pdf/2019/issue_3/Trames-3-2019-309-322.pdf
 - 14- Składanowski, Marcin, (2022) From an ideological war to an ideology of war: Aleksandr Dugin's assumptions of neo-Eurasianism and their application to Russian preparations for the war against Ukraine, Available at: <https://www.academia.edu/94756595/>
 - 15- Smith, Caitlin, (2012), Personality in Foreign Policy Decision-Making, Available at: <https://www.e-ir.info/2012/10/16/personality-in-foreign-policy-decision-making/>
 - 16- Trenin, Dmitri, (2018), What drives Russia's policy in the Middle East? Available at: <https://www.jstor.org/stable/pdf/resrep21138.6.pdf>
 - 17- Umland, Anderas, (2019) Alexander Dugin, the Issue of Post-Soviet Fascism, and Russian Political Discourse Today, *Russian Analytical Digest*, Available at: <https://css.ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/gess/cis/center-for-securities-studies/pdfs/RAD-14-2-4.pdf>